



فرتوری از بانوی دلاور دوران مشروطیت، مریم بختیاری

بی بی مریم بختیاری (۱۳۱۶-۱۲۵۰ ش) دختر حسینقلی خان ایلخانی، خواهر علیقلی خان سردار اسعد و همسر ضرغام السلطنه بختیاری (معروف به مادر شیر علیمردان خان (از معروفترین زنان دلاور مبارز دوران مشروطیت است. او در دوران مشروطه، در کنار برادرش سردار اسعد بختیاری، شجاعت و اقتدار ستودنی از خود به یادگار گذاشت. و حتی اولین زنی در جهان بود که افتخار دریافت مهمترین نشان دولت آلمان را نصیب خود و مردم ایران کرد!

#### زندگینامه:

او بانویی تحصیل کرده و از روشنفکران عصر مشروطیت بود که همواره به حمایت از آزادیخواهان برخاست. او مبارزی دلیر و جنگاوری بی باک و آزادی خواه بود و هرگز در برابر ظلم و استبداد بیگانگان و حکومت های دیکتاتوری ایران سر تعظیم فرود نیاورد! همچون همه زنان ایل بختیاری؛ به مثابه زندگی ایلیاتی در فنون تیراندازی و سوارکاری ماهر بود، و چون همسر خان و جانشین او محسوب می شد، عدهای سوار در اختیار داشت و در مواقع ضروری به یاری مشروطه خواهان می پرداخت.

**سردار بی بی مریم بختیاری** از مشوقین اصلی برادرش سردار اسعد بختیاری، جهت فتح تهران محسوب می‌شد. وی با فرستادن نامه‌ها و تلگراف‌های مختلف بین سران ایل و سخنرانی‌های بسیار مهیج و گیرا، افراد ایل بختیاری را برای مبارزه با استبداد صغیر (استبداد محمدعلی شاهی) آماده می‌کرد. نام بی بی مریم همواره به عنوان یک شخصیت‌های شناخته شده ضد استعماری و استبدادی عصر قاجار مطرح بوده است.

او قبل از فتح تهران، مخفیانه با عده‌ای سوار برای پشتیبانی از حمله سردار اسعد وارد تهران شد و در خانه پدری حسین ثقفی منزل کرد. به مجرد حمله سردار اسعد به تهران، پشت بام خانه که مشرف به میدان بهارستان بود را، سنگربندی نمود و با عده‌ای سوار بختیاری، از پشت سر به قزاق‌ها شبیخون زده و با آنها مشغول به جنگ شد... او شخصاً تفنگ به دست گرفت و به جنگ پرداخت. نقش مهم او در فتح تهران، میزان محبوبیتش را در ایل بختیاری افزایش داد. او پس از فتح تهران طرفداران بسیاری پیدا کرد، و به لقب “سردار” مفتخر شد.

### زندگی سخت خانوادگی:

این سردار دلاور در زندگی خانوادگی خود، چون همه زنان در جوامع مذهبی مردسالارانه، قربانی تبعیض جنسیتی بود! او در نوزادی به نامزدی مردی در آمد که ۲۰ سال از او بزرگتر بود و هنگام ازدواج (سن ۱۵ سالگی) همسر سوم او محسوب می‌شد. دوران زناشویی او طولی نکشید و فوت همسرش باعث شد که او در اوج جوانی بیوه شود. پس از مرگ شوهرش حق نگهداری فرزندان را از او گرفتند. به طوری که همیشه حسرت بودن با فرزندان را به دل داشت! بعد از مدت زمانی به اجبار به عقد یکی از بستگان در آمد که مردی عیاش و فاسد بود و همیشه موجب تحقیر و ناراحتی بی بی مریم بود. در عرف ایل طلاق وجود ندارد و بی بی با این که خواستار طلاق بوده ولی به خاطر سنت‌های پوسیده مذهبی و حیثیتی و به درخواست برادرش (سردار اسعد بختیاری) مجبور شد که به زندگی با او ادامه دهد!.



در این فرتور، سردار اسعد بختیاری با پرچم سه رنگ ایران، در میان شجاعان و دلاوران جنبش مشروطیت دیده می‌شود.

## جنگ اول جهانی و حمایت سردار مریم از متحدین

سردار مریم بختیاری در جنگ جهانی اول، با وجود حمایت ایل بختیاری از انگلیس، به مخالفت با انگلیسی ها پرداخت و با عده ای از تفنگچیان و سرداران خود به طرفداری از متحدین برخاست. او حتی پاره ای از خوانین کوچک بختیاری، چون خوانین پشتکوه را با خود همراه ساخت و در یورش های مداوم به نیروهای انگلیسی، صدماتی وارد ساخت. به طوری که پلیس جنوب، مبارزات دائمی و پیگیری را با او شروع کرد. او در مبارزه با نیروهای انگلیسی؛ از سربازان و افسران آلمانی و سرکوب و قلع و قمع راهزنان کهگیلویه و بویراحمد و کنترل خوانین کوچک، استفاده نمود. قدرت و شهرت جنگاوری های سردار مریم در منطقه به حدی بود، که روس ها به هنگام فتح اصفهان، خصمانه به منزل او تاخته، اثاثیه او را به یغما برده و کلیه اموال و املاک او را در اصفهان، مصادره کردند!

## خانه سردار مریم، پناهگاه آزادیخواهان عصر مشروطه

منزل سردار مریم پناهگاه بسیاری از آزادیخواهان عصر مشروطه بود، حتی در هنگام فتح اصفهان توسط روس ها (در جنگ جهانی اول)؛ فن کاردف، شارژ دافر سابق آلمان، به خانه بی بی مریم پناه برد و مدت سه ماه و نیم در پناه او بود، تا اینکه پس از شکست بختیاری ها از روس ها و کشته شدن ۵۸ نفر، به کرمانشاه رفت و از آنجا راهی برلین شد.



جمعیت نسوان وطن خواه، گروهی که علیه ظلم و ستم برپاخواستند و با دیکتاتوری پیش از مشروطیت مبارزه نمودند.

## دریافت مهمترین نشان دولت آلمان

به پاس حمایت های سرسختانه بی بی مریم از فن کاردف، امپراطور آلمان، کمان تمثال میناکاری و الماس نشان و همچنین صلیب آهنین خود را ، که مهمترین نشان دولت آلمان بود. برای او فرستاد. سردار بی بی مریم بختیاری تنها زنی بود که در دنیا توانست به دریافت این نشان نائل آید!

## مبارزه بر ضد نیروهای انگلیسی و پناه دادن بزرگان سیاسی

جریان مبارزات سردار مریم بختیاری با نیروهای انگلیسی در طی [قرارداد ۱۹۱۹](#) و کودتای ۱۲۹۹، همچنان ادامه داشت. پناه دادن بزرگان سیاسی همچون علی اکبر دهخدا و حتی دکتر محمد مصدق، حاکم فارس که در زمان کودتای ۱۲۹۹، پس از مخالفت و عزل از اصفهان، راهی بختیاری شد و مدتها مهمان سردار مریم بود، از کارهای گسترده ملی و میهنی این بانوی دلاور بود.

## کتاب خاطرات سردار مریم

بی بی بانو خاطرات خود را از چون گنجینه ای گرانبها برای مردم ایران به ارمغان گذاشته است. کتاب خاطرات سردار مریم (از کودکی تا آغاز انقلاب مشروطه)- نویسنده: بی بی مریم بختیاری (۱۳۱۶-۱۲۵۰ش). ویرایش: غلام عباس نوروزی بختیاری. تهران، آژان، ۱۳۸۲. این کتاب در برگیرنده خاطرات سردار مریم بختیاری است که وقایع زندگی خود را از دوران کودکی، با کشته شدن پدرش توسط ظل السلطان آغاز و با فتح تهران توسط برادرش سردار اسعد به پایان برده است.



باتوان دلیر و برومند کشورمان، با وجود زن ستیزی رژیم های دیکتاتوری و مردسالاری جامعه، بازهم از پای ننشسته اند، در هر فرصت و هر امکانی فریاد آزادیخواهی و حق طلبی خود را بر می آورند. این یک صحنه از تظاهرات آنان در برابر رژیم خودکامه ولایت فقیه است.

خاطرات سردار مریم بختیاری منبعی منحصر به فرد در خصوص روابط فرزندان حسینقلی خان ایلخانی است و روایت "یک زن ایرانی و از ایل بختیاری" از شرایط سیاسی و اقتصادی ایران است که با انشایی بسیار روان و شیوا نگاشته شده. خواندن کتاب خاطرات این بزرگ بانوی دلاور بر هر ایرانی آزادی خواه واجب است. چرا که دردهای سردار بانویی دلاور را ترسیم می کند، که هرگز آزار و رنج جهل مردم عامه، و زجر عدم تساوی حقوق میان زن و مرد در ایران، روح آزاده او را رها نکرد. باشد که این کتاب چراغی راهنما باشد؛ در ظلمت اعتقادات و سنت های مذهبی و پوسیده مردم عامه....

بی بی مریم در قسمتی از خاطراتش چنین می نویسد: «افسوس دارم که چرا یک زن بدبختی هستم که نمی توانم برای آزادی ملت جان فشانی کنم و چرا نمی توانم مثل زنان اروپایی با اردو جهت پرستاری جوان های رشید بختیاری حرکت کنم. وجود من امروز به چه درد می خورد؟»

#### عدم تساوی حقوق زن و مرد و نگاه سردار مریم:

عدم تساوی حقوق زن و مرد در ایران بزرگترین مشکل جامعه ایران و همه جوامع مردسالار مذهبی است. این امر باعث جلوگیری در پیشرفت نیمی از جامعه (زنان) می شود. همچنین اثرات نامطلوب پرورش نسل آینده، به دست مادرانی که خود اجازه و امکان پیشرفت در جامعه را نداشته اند، کاملاً در رشد علمی و اقتصادی و فرهنگی این جوامع، مشهود خواهد بود.

بی بی مریم در خاطراتش بارها از ظلم و ستمی که نسبت به زنان در ایران روا می شود اظهار ناراحتی کرده و به طور مثال قسمتی از کتاب خاطراتش چنین نوشته است:

«از آنجایی که زن های بدبخت در ایران ترقی نمی کنند و صفتهای خوب آنها در پس پرده است، ایشان یک مرد بزرگ و مشخص شده (منظور برادرش است)، من یک زن پشت پرده نشین، او ترقی نموده است و من تنزل. در ایران زن های بدبخت یا باید بزک بکنند، شبانه روز در فکر لباس و پودر و سرخاب باشند یا خیاطی و ریسمان تابیدن، کار بزرگ همین است. افسوس که وجود چندین میلیون زن در خاک ایران از عدم علم برای هیچکس اهمیتی ندارد، کاری که به آنها می دهند، ترشی خیار و بادنجان انداختن است». (کتاب خاطرات سردار مریم، صفحه ۴۳-۴۲)

او در خاطراتش، سنت های پوسیده؛ ناشی از اعتقادات خرافی و مذهبی در ایل را به نقد می کشد و انزجار خود را اعتقادات متعصبانه و اجباری بر ضد زنان بیان می نماید. او با اشاره به سنت ناف بران عشیره ای، که نیز با آن درگیر بوده، یعنی زمانی که تنها ۱۵ سال داشته مجبور به ازدواج با مردی ۴۰ ساله شد چنین می گوید: «من وقتی ۴۰ روزه بودم پدرم عقدم نمود برای پسر محمد علی خان چهار لنگ» (خاطرات سردار مریم، ص ۵۳)

#### درگذشت:

سردار مریم بختیاری، در سال ۱۳۱۶ ه. ش، سه سال پس از اعدام فرزندش علیمردان خان بختیاری به فرمان رضا شاه پهلوی، در اصفهان در گذشت. پیکر این زن مبارز آزاده در گورستان تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

### از بانوی بزرگوار ایران، مریم چه می آموزیم؟

شاید نیازی به توضیح نباشد، که چگونه این بانوی دلاور، آزادگی و رزم آوری را به هم میهنانش می آموزد. جنگیدن در خطرناک ترین زمان های تاریخی به دفاع از روشنفکران و آزادی خواهان جامعه. یا نقد جامعه بی رحم مذهبی و مردسالار ایران و نقد نقش مخرب مذهب و سنت در عقب ماندگی های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه ایران، نکات برجسته ای است که می تواند آموزه ای برای بانوان خردمند کشورمان باشد.

مریم بانو، در کتاب خود اشاره ای جالب به مخارج سرسام آور زنان برای پوشش حجاب اجباری دارد:  
«اکنون در طهرانم دو روز قبل با چادر رفته مغازه ای در خیابان لاله زار دیدم درون یک مغازه چارقد فروشی خیلی اشیاء طلا و جواهر زیر آئینه گذاشته است به صاحب مغازه گفتم: اینها مال فروش است. جواب داد خیر خانم اینها را خاتمهها گرو چارقد تور گذاشته اند. دنیایی افسوس خوردم به بدبختی ملت بیچاره ایران که این قدر بی علم و بدبخت می باشد. آنچه پول در مملکت بود عوض همین چیزها و امثال همین چیزها به خارجه رفت.»...

و همچنین در قسمتی دیگر در صفحه ۴۸ از خاطراتش، آرزوهای همه زنان و مردان آزادی خواه ایران را بیان می کند که:

«می ترسم بمیرم و زن های ایرانی را عموماً و زن های بختیاری را خصوصاً آزاد نبینم... آیا می شود از درگاه پادشاه حقیقت (خداوند) قدرتی پیدا کنم که بتوانم به هم نوع خود خدمت کنم؟، آیا زن انسان نیست؟، خلقت او غیر خلقت مرد است؟، چرا می بایست زن های بیچاره ایرانی در گوشه خانه در به روی آنها بسته باشد؟»!

باشد که تک تک ما، آرزوهای این بانوی بزرگوار دلاور را جامعه حقیقت پوشانیم، و هرگز در کشوری که تقریباً همه مردان به سربازی اجباری رفته و فنون نظامی آموخته اند، شاهد کتک زدن خوردن بانوان به دست مامورین گشت ارشاد نباشیم!

ادامه مطلب: [سردار مریم بختیاری، بانوی مبارز عصر مشروطیت | فضول محله](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)

[http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)

[1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)

[%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)

[%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)

[%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)

[%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn](http://www.fozolemahaleh.com/2012/11/27/%d8%b3%d8%b1%d8%af%d8%a7%d8%b1-%d9%85%d8%b1%db%8c%d9%85-%d8%a8%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8%a8%d8%a7%d9%86%d9%88%db%8c-%d9%85%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%b2-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d9%85%d8%b4#ixzz2EAREJuWn)